

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۹ خرداد ۱۳۸۷، ۱۸ ژوئن ۲۰۰۸

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۱۹

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت آزادی جوانمیر مرادی و طاهای آزادی



www.ettehade.net

۲۸ خرداد ۱۳۸۷

صفحه ۲



محمد آسگران

راست در جامعه کردستان را نمایندگی میکنند. در کردستان مثل هر جامعه مدرن دیگری، جنبشهای اجتماعی، سنتهای

صفحه ۳

نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ایران و تحولات پیش رو مورد: کومله بخش (۴)

در سه بخش قبلی این نوشته من سعی کردم تحولات جامعه کردستان، موقعیت جنبشهای اجتماعی و سیر بالندگی جنبش سوسیالیستی در کردستان را با توجه به فاکتورهای عینی و اجتماعی بیان کنم. در قسمت سوم این بحث به موقعیت و جایگاه هر دو "حزب دمکرات کردستان و کردستان ایران" پرداختم. اما همچنانکه قبلا هم تاکید کردم در جامعه کردستان

جوانمیر مرادی و طاهای آزادی آزاد شدند

اتحادیه آزاد کارگران، اتهامات مختلفی از جمله "فعالیت تبلیغاتی علیه نظام از طریق عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران، جمع آوری امضا برای افزایش دستمزدها، نوشتن مطلب در بولتن شورا و پخش آن در مراکز کارگری" به آنان نسبت داده شد. قفسه سینه جوانمیر زیر شکنجه دچار آسیب های جدید شده و یک دندان طاهای آزادی نیز شکسته است. جمهوری اسلامی از تحویل داروهای جوانمیر به او در طول دوره بازداشتش نیز خودداری کرد و حتی فوزهی خالصی همسر او را که با روحیه ای رزمنده برای آزادی جوانمیر، ملاقات با او و تحویل داروهای او تلاش میکرد، مورد انواع توهین و بیحرمتی قرار داد.

صفحه ۶



www.ettehade.net

۲۸ خرداد ۱۳۸۷

جوانمیر و طاهای روز اول ماه مه در عملویه به جرم برگزاری اول مه دستگیر شدند، در اطلاعات و زندان بوشهر محبوس شدند، مورد شکنجه و توهین و تهدید و بیحرمتی قرار گرفتند و طبق گزارش

امروز ۲۷ خردادماه طبق خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، جوانمیر مرادی و طاهای آزادی از فعالین کارگری و از فعالین اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از ۴۷ روز بازداشت و با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی آزاد شدند.

در تجمع امروز ۸۰۰۰ نفر شرکت کردند مردم هفت تپه به کارگران پیوستند کارگران کاغذسازی پارس نیز اعتصاب خود را شروع کردند

فرماندار شوش و توضیحات او شدند. دیروز فرماندار خواسته بود در تجمع آنها در جاده اهواز اندیشک شرکت کند اما کارگران آنرا نپذیرفتند و اعلام کردند که اگر فرماندار حرفی دارد به کارخانه بیاید. اما از فرماندار خبری نشد و

صفحه ۶

امروز چهارشنبه ۲۹ خرداد مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه ابعاد وسیعتری بخود گرفت. حضور خانواده ها چشمگیرتر بود و هزاران نفر از مردم نیز به صف کارگران پیوستند. از ساعت ۸ و نیم صبح حدود ۴۵۰۰ کارگر و پرسنل هفت تپه در مقابل دفتر مدیریت در کارخانه جمع شدند و منتظر حضور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت آزادی جوانمیر مرادی و طاهای آزادی



اتهامی که بر جوانمیر مرادی و طاهای آزادی وارد کرده اند فعالیت تبلیغاتی علیه نظام از طریق عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران، جمع آوری امضا برای افزایش دستمزدها، نوشتن مطلب در بولتن شورا و پخش آن در مراکز کارگری است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران متشکل شدن کارگران و تلاش آنان برای رسیدن به مطالبات



انسانی شان را جزو بیدیهی ترین حقوق کارگران میدانند و بازداشت و صدور قرار وثیقه برای آزادی جوانمیر مرادی و طاهای آزادی را بشدت محکوم میکند. برگزاری مراسم اول ماه مه، تشکل، تجمع و اعتصاب حق مسلم کارگران است و ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران ذره ای از این حقوق انسانی خود عقب نخواهیم نشست. ما آزادی جوانمیر مرادی و

اداره اطلاعات عسلیویه و اداره اطلاعات و زندان مرکزی بوشهر محبوس بودند. آنان در طول دوره بازداشت خود در اداره اطلاعات بوشهر بمدت یک هفته و بصورت روزمره زیر شدیدترین فشارهای جسمانی قرار داشتند بطوری که استخوانهای قفسه سینه جوانمیر مرادی دچار آسیبهای جدی شده و یکی از دندانهای طاهای آزادی در نتیجه ضربات وارده لق شده است.

امروز مورخه ۳/۲۷/۱۳۸۷ در ساعت ۱۴ ظهر جوانمیر مرادی و طاهای آزادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از ۴۷ روز بازداشت با قرار وثیقه ده میلیون تومانی از زندان آزاد شدند. جوانمیر مرادی و طاهای آزادی روز ۱۲ اردیبهشت ماه در حالی که به همراه کارگران عسلیویه در حال تجمع برای برگزاری مراسم اول ماه مه بودند توسط نیروهای انتظامی بازداشت شدند و بمدت ۴۷ روز در

مصرانه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط منصور اسالو زندان است. ما روحیه بالای جوانمیر مرادی و طاهای آزادی را پس از تحمل شدیدترین فشارهای جسمانی و زندان و تهدید می ستائیم و بر عزم و اراده آنان درود می فرستیم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۳۸۷/۲۷/۳

تپه تبریک میگوئیم و برای آنها آرزوی موفقیت میکنیم. حضور متحد و قدرتمند توده وسیع کارگران در اعتراضات، به کارگران امکان داد که سندیکای خود را تشکیل دهند و شرط موفقیت سندیکا نیز اتکا بر توده کارگران و مجمع عمومی توده کارگران است. حزب کارگران سراسر کشور، دانشجویان و همه مردم آزادیخواه و بویژه جوانان و مردم شوش را به حمایت فعال و همه جانبه از کارگران نیشکر هفت تپه فرامیخواند.

زنده باد اتحاد و همبستگی
کارگران نیشکر هفت تپه
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ ژوئن ۲۰۰۸
۲۷ خرداد ۱۳۸۷

که به حقوق دیگران تجاوز میکنه حقوق دیگران را پایمال میکنه دیگران را مورد استثمار و اذیت قرار میدهد. کسانی مستحق زندان و مجازات هستند که عرصه را بر مردم تنگ کرده اند کارفرماهای رنگارنگ، حامیان آنها اینها جایشان زندان و محاکمه است نه کارگرانی که

روزی از سال روز ماه مه ای که برسمیت شناخته شده در کل دنیا آمده گفته من حقوق کم است من

طاهای آزادی را به خانواده این دوستان بویژه فوزیه خالصی، کارگران ایران و تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلبی که در طول دوره بازداشت این کارگران برای آزادی آنان مبارزه کردند، صمیمانه تبریک میگوئیم و دست همه آنان را به گرمی می فشاریم. اتحادیه آزاد کارگران ایران آزادی جوانمیر مرادی و طاهای آزادی را یک موفقیت برای طبقه کارگر ایران ارزیابی میکند و

حضور یافتند و دو هزار کارگر حاضر در کارخانه به آنها ملحق شدند و دسته جمعی دست به راهپیمایی زدند و شعار دادند: کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم، معیشت زندگی حق مسلم ماست، این بچه گرسنه وعده سرش نمیشه. کارگران بظرف بازارچه هفت تپه راهپیمایی کردند و در ساعت ده و نیم صبح با رسیدن به پایگاه نظامی هفت تپه به راهپیمایی خود پایان دادند. کارگران اعلام کردند چنانچه به خواستههای آنها پاسخ داده نشود فردا نیز دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. کارگران پنج ماه حقوق طلبکارند.

ما تشکیل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را به کارگران هفت

کارگران نیشکر هفت تپه سندیکای خود را تشکیل دادند

اعضای هیئت موسس سندیکای کارگران نیشکر عبارتند از: فریدون نیکوفر، جلیل احمدی، علی نجاتی، رحیم بساق، محمد حیدری مصر، رضای علیپور، نجات دهلی و علی شریفی. یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی از مدتهای قبل برای تعدادی از این کارگران پرونده سازی کرده و آنها را به جرم دفاع از حقوق کارگران محاکمه کرده است.

امروز خانواده های کارگران نیز دست به ابتکار بسیار جالبی زدند و بدنبال تشکیل سندیکا، دهها نفر از آنان در محلی در نزدیک کارخانه

اثر انگشت تشکیل سندیکا و موسسین آنرا تصویب کردند. حدود ۲۰۰۰ نفر در تجمع امروز و رای گیری درمورد سندیکا و هیئت موسس آن شرکت داشتند. و بدینترتیب کارگران از امروز صاحب سندیکای خود شدند. فرماندار شهر قبلا به کارگران گفته بود که در صورتی با تشکیل سندیکا موافقت میکند که مسئولین سندیکا را خود فرمانداری انتصاب کنند! کارگران جواب داده بودند تشکلی که دیگران بویژه دولت نمایندگان را انتخاب کند تشکلی کارگری نیست.

کارگران و خانواده هایشان دست به راهپیمایی زدند

چهل و سومین روز اعتصاب: امروز ۲۷ خرداد، کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند و خواستههای خود را پیگیری کردند. در این تجمع کارگران همچنین درمورد ضرورت ایجاد تشکل صحبت کردند و متنی درمورد تشکیل سندیکا و اعضای هیئت موسس آن در میان کارگران توزیع کردند و کارگران با امضا یا

مصاحبه رادیو شکوفه ها با جمیل محمدی از اعضای اتحاد آزاد کارگران ایران

شما و شتونندگان شما. من از طرف خودم و اعضای اتحادیه کارگران به همه کارگرا، آزادی جوانمیر و طه آزادی را تبریک میگم. همانطور که میدونید روز اول ماه مه بود که بناسبت تلاش برای برپائی مراسم اول ماه مه دستگیر شدند و طی این مدت حدود ۳۹، ۴۰ روز، شبانه روز اعضای اتحادیه، خانواده این

رادیو شکوفه ها : با سلام به شما آقای جمیل محمدی و با عرض تبریک برای آزادی جوانمیر مرادی و طه آزادی. برای ما توضیح بدهید که چه جور این دوستانمان آزاد شدند چه صورت گذشت آیا وثیقه ای پرداخت کردید و یا چکار کردید ؟
جمیل محمدی : با سلام خدمت

دوستان ، بالاخره امروز با قرار وثیقه ۱۰ میلیون تومان برای هر نفر آزاد شدند

رادیو شکوفه ها : مجددا بهتان تبریک میگم اما از آنجا که میلیونیم تعداد دیگری از کارگران در زندانها بسر میبرند فکر میکنید راه حل چیه و چه باید کرد ؟

جمیل محمدی : بنظرم تنها راه حل این است که حق کارگر نیست که زندانی بشه. کسی باید زنوننی بشه

عزیزان ، شب و روز برای آزادی آنها تلاش کردیم اخبار را انعکاس دادیم به سازمان عفو بین الملل به آی تی یوسی نامه نگاری کردیم. شب و روز خانواده این عزیزان در عسلیویه در بوشهر متحصن شدند شبها چادر میزدند و انجا میخوابیدند. شب و روز جلو اداره اطلاعات عسلیویه و بعدا بوشهر جلوی دادگاه اعتراض میکردند و خواهان آزادی این دوستان میشدند که بعد از ۴۰ روز آزار و اذیت و بازداشت بی دلیل این

نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ...

سیاسی و احزاب مختلفی را از خود بیرون داده اند. بنابراین برای پرداختن به احزاب، خارج از آنچه که در مورد خود میگویند باید با توجه به سنت و جنبشی که از آن منبعث شده و به تبع منافع مادی و طبقاتی که نمایندگی میکنند مورد بحث قرار بگیرند.

واقعیت این است که جنبش ناسیونالیستی در کردستان، سنتهای متفاوتی را در جامعه رایج کرده و هر کدام از این سنتها انواع احزاب و دسته جات متفاوت و حتی متضاد با هم را از خود بیرون داده است. علیرغم این تفاوتها و اختلافات آنها بر سر رهبری جنبش ناسیونالیستی، ناچاراً جناحهای مختلف در یک جنبش شکل گرفته است. اختلافات پژاک و هر دو حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان و دستجات خرد و ریز دیگر با همدیگر در کردستان از همین جا سرچشمه میگیرد. هر کدام از آنها تلاش میکنند که به عنوان رهبر جنبش ناسیونالیستی از جانب بقیه به رسمیت شناخته شوند. اگرچه همه این جریانها خود را با "پرچم کردستان" و پایبندی به سنتها و تاریخ ناسیونالیسم کرد در کردستان معرفی میکنند اما هیچکدام نتوانسته اند اتوریته و قدرتی باشند که بقیه جریانها این جنبش را بر محور سیاستهای خود در زیر یک چتر قرار دهند. تلاش برای "تشکیل جبهه کردستانی" علاوه بر عرضه کالای خود به مقامات آمریکایی از جانب این جریانها، در عین حال تلاشی برای پر کردن این خلغ اتوریته رهبری جنبش ناسیونالیسم کرد و بی اعتباری آنها در کردستان است.

زیرا در جامعه کردستان اکنون جنبش چپ و سوسیالیستی توانسته است جریانها ناسیونالیستی را تا حدود زیادی حاشیه ای کند. فرهنگ حاکم بر اعتراضات و مبارزات مردم معترض فرهنگی چپ با شعارهای رادیکال و انسانی است و همین مولفه اجتماعاً جریانها ناسیونالیستی را به شدت نگران کرده است. جریانها ناسیونالیست و قومپرست کرد نا امید از سیاستهای آمریکا، در جامعه نیز آمیدی به قدرت گیری ندارند.

برای بررسی سیر تاریخی این تحولات و مقدرات احزاب چپ و راست جامعه کردستان لازم است نگاهی به رویدادهای تاریخی و نقش این احزاب داشته باشیم. در بخش سوم این مباحث حزب دمکرات مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این بخش به کومله به عنوان اولین جریان مطرح چپ در کردستان میپردازیم و سعی میکنم در متن تحولات اجتماعی و ضرورت پا به میدان گذاشتن کومله به عنوان یک جریان چپ را تاریخاً با همان متدی که به حزب دمکرات پرداختم مورد بحث و بررسی قرار دهم.

موقعیت و جایگاه کومله به عنوان یک جریان چپ در کردستان

قبلاً پایه های تاریخی و ضرورت رشد و حضور چپ در کردستان را از لحاظ اجتماعی مرور کردیم. گفتیم که فاکتورهای اصلی این تحول رشد طبقه کارگر و حاکم شدن مناسبات سرمایه داری بر جامعه و نیاز طبقه کارگر بود. انقلاب ۵۷ در ایران و شکست این انقلاب بوسیله حکومت اسلامی سرمایه، کل چپ جامعه ایران را هم دستخوش تحولی بزرگ و سرنوشت ساز کرد. اگر جریانها چپ در ایران با حاکم بودن سنتهای پوپولیستی و ناسیونالیستی در مقابل سرکوب خونین انقلاب نتوانست مقاومت کند و همه احزاب و جریانات آن زمان یکی بعد از دیگری متلاشی شدند، اما کومله در میان این جریانات پوپولیستی تنها سازمانی بود که به دلیل پایگاه و جایگاه اجتماعی و نیاز به جواب گویی به معضلات جامعه ناچار شد فضای پوپولیستی و ناسیونالیستی حاکم بر خود را به نفع سیاستهای مارکسیستی حاشیه ای کند. یک فاکتور مهم در این تحولات کومله وجود یک قشر تحصیلکرده و روشن بین از رهبری کادرهایی بود که در جستجوی جواب درست به بن بستهای سیاسی آن دوره بودند.

در همین ایام که همه جریانات چپ ایران در سنتهای ناسیونالیستی و پوپولیستی دست و پا میزدند جریان اتحاد مبارزان کمونیست با

نقد این دو مولفه بورژوازی و نمایندگی کردن مارکسیسم ارتدکسی توجه رهبری و کادرهای چپ کومله را به خود جلب کرد. وصل شدن کومله به این جریان مارکسیستی از منظر رهبری وقت کومله به عنوان یک راه حل و یک راه نجات محسوب میشد. کومله پذیرفتن این سیاستها را اگر چه با مقاومتهایی که گرایشهای سنتی ناسیونالیسم کرد و پوپولیسم حاکم در درون آن سازمان میکرد به سرانجام رساند. با تشکیل حزب کمونیست ایران یک موفقیت بزرگ نصیب مارکسیسم انقلابی شده بود. کومله ای که قبل از انقلاب ۵۷ به دلیل حاکم شدن مناسبات سرمایه داری و رشد طبقه کارگر به هدف جوابگویی به نیاز این طبقه شکل گرفته بود، در فضای حاکم بر چپ آن زمان در نقد مشی چریکی و سنتهای حزب توده به مانویسم پناه برده بود. سیاست و تئوریهای حاکم بر کومله آن زمان یک سیاست مائویستی بود. اما سنت ناسیونالیستی حاکم بر جریانات سیاسی کردستان در میان کومله هم یک سنت قوی و پایدار ایجاد کرد. در سال ۵۸ با اوجگیری اعتراضات مردم کردستان علیه رژیم حاکم، شعار "خودمختاری" و مسئله ملی در کردستان شعار مشترک حزب دمکرات کردستان ایران و کومله هر دو بود. کومله در این مقطع برای مقابله با نفوذ حزب دمکرات به عنوان یک حزب رقیب و برای بسیج مردم شیخ عزالدین حسینی را تقویت کرد. از کاندیداتوری رجوی دفاع کرد و محور اصلی مذاکره با رژیم اسلامی یک قطعنامه مشترک کومله و حزب دمکرات برای خودمختاری کردستان بود. این قطعنامه و اعتراضات حول آن، توده ای ترین اعتراضات را شکل داد. اعتراضاتی که دهها هزار نفر را بر محور مسئله خودمختاری در همه کردستان به میدان آورد. پرچم همه احزاب و شخصیتها و به تبع اعتراضات مردم در این مقطع بعد از انقلاب ۵۷ خودمختاری و شکل دادن به یک حکومت در کردستان بود.

چپ و راست جامعه که بوسیله کومله و حزب دمکرات کردستان ایران نمایندگی میشدند بعد از انقلاب ۵۷ برای مقابله با دولت

مرکزی تازه به قدرت رسیده، در زیر یک پرچم و شعار و برای اجرای یک پلانترم واحد (خودمختاری) گرد آمده بودند. تنها تفاوت چپ جامعه در تاکتیک رادیکال و قاطع کومله در مقابله با دولت مرکزی و ممانعت از سازش حزب دمکرات با دولت و دفاع از دهقانان در مقابل ملاکین قابل تشخیص بود.

بنابر این چپی که در کومله سازمان پیدا کرده بود به دلیل حاکم بودن پوپولیسم و قدرت سنتهای ناسیونالیستی در کردستان به جناح چپ جنبش ملی کردستان تبدیل شد. در این مقطع تفاوت حزب دمکرات و کومله نه یک اختلاف طبقاتی با سنتهای متعارض، بلکه یک وحدت سیاسی با اختلافاتی در تاکتیک و تعلق ایدئولوژیک متفاوت خود را نشان میداد. همین تحولات سیاسی باعث شد که ناسیونالیسم و سنتهای آن برای اولین بار در ابعادی وسیع و اجتماعی بسیار بیشتر از تاثیرات جریانات و سنتهای قبلی در کردستان بیش از همیشه باز کند.

بنابر این کومله چپ، به کومله خودمختاری طلب و به جناح چپ ناسیونالیسم کرد تنزل پیدا کرد. اگر چه در همین مقطع کومله وسیعاً توده ای و برای اولین بار به عنوان یک نیروی مطرح در جامعه شناخته شد، اما از لحاظ سیاسی و تعلق طبقاتی از یک جریان چپ با هر تعبیری که از سوسیالیسم داشت به یک جریان متحد ناسیونالیسم کرد با ایده های پوپولیستی و مائویستی تبدیل شد. مانویسم کومله و اتکا به دهقانان و کم اهمیت دادن به جنبش کارگری و مسئله زن و دیگر مسایل و جنبشهای اجتماعی عملاً میدان را برای عروج جنبش ناسیونالیستی فراهم کرد. در هیچ زمانی کومله به اندازه این دوره توده ای نبوده و در عین حال در هیچ زمانی هم به اندازه این مقطع کومله از چپ و مارکسیسم فاصله نگرفته بود. این تناقض در کومله با یورش جمهوری اسلامی و شکست چپ در ایران همزمان شد.

یورش ضد انقلاب اسلامی به کردستان و ایجاد تنگناهای جدی، کومله را در یک موقعیت سرنوشت ساز قرار داده بود. یا باید تماماً به یک جریان ناسیونالیستی تبدیل میشد و یا باید به عنوان یک جریان

چپ با نقدی مارکسیستی به نقد مبانی فکری خود میرسید. با توجه به اینکه کومله به یک جریان مطرح و توده ای تبدیل شده بود و پایه اجتماعی کومله اساساً خود را چپ و کمونیست میدانست و به دلیل وجود اتحاد مبارزان کمونیست و رشد ایده های مارکسیستی، گرایش رادیکال در کومله کومله امکان اینرا پیدا کرد که راه دوم را انتخاب کند و به این ترتیب کل کومله را به دنبال خود بکشد.

نقدهای اتحاد مبارزان به چپ و جنبشهای غیر کمونیستی و تحلیل و نقد مارکسیستی این جریان به رژیم اسلامی حاکم، رهبران کومله را به تعمق وادار کرد. آنها با هر درکی که از نقدهای منصور حکمت و اتحاد مبارزان کمونیست داشتند فکر میکردند با قبول این سیاستها راه نجات از تناقض در خود را پیدا کرده اند. زیرا کومله هم مدعی بود که چپ و کمونیست است و هم تماماً در سنت و جنبش ناسیونالیستی گیر کرده بود.

به همین دلیل نجات کومله آنجنان جایگاهی داشت که حتی ناسیونالیستهای درون کومله هم در مقابل پروژه تشکیل حزب کمونیست ایران سر تعظیم فرود آورده و به عنوان یک پروژه "نجات دهند کومله" آنرا میدیدند. سکوت ناسیونالیسم درون کومله به دلیل پذیرش نقد مارکسیستی نبود بلکه آنها فکر میکردند کومله از این طریق راهی برای رشد و ادامه حیات پیدا میکند. آنها فکر میکردند با این حرکت کومله در رقابت با حزب دمکرات و مقابله با رژیم اسلامی از قدرت بیشتری برخوردار میشود. بنابراین این هم برای گرایش ناسیونالیستی و برای آن بخش از رهبری و کادرهای کومله که چپ و مارکسیسم را به عنوان "تئوری رهایی ملی" پذیرفته بودند و تشکیل حزب کمونیست ایران خدمتی به کومله و "ملت کرد" محسوب میشد.

گرایش ناسیونالیستی درون کومله در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ ششی یک بار دیگر میدان دار شد. اما سنت و سبک کار و تئوریهای نوشته و نانوشته این گرایشها قابل مشاهده و قدم به قدم مورد نقد جریان مارکسیسم انقلابی

به رهبری منصور حکمت قرار میگرفت. سنتهای و فرهنگ این گرایش نه تنها در سیاستهای مدون و تئوریهای مائویستی و ناسیونالیستی بلکه در پراتیک و روزمره مرتب در حال جدال با مارکسیسم انقلابی بود. این گرایش در برخورد به مسئله زن و مسلح شدن زنان در صف کومله و برخورد نابرابر و تحقیر آمیز و حتی تجویز یک نوع حجاب و روسری برای زنان، سنت احترام به مذهب و تمکین به فرهنگ عقب مانده روستایی تحت عنوان فرهنگ توده ها، نظامیگری و محور قرار دادن این شکل از مبارزه در تقابل با اشکال شهری و جنبشهای اعتراضی در شهرها و... همگی جان سختی این گرایش و سنت سیاسی را نشان میداد.

این گرایش در کومله سخنگوی رسمی نداشت و درحاشیه کومله ضمن سکوت و مماشات با مارکسیسم به زندگی خود ادامه میداد. افقی و راه حلی نداشت. اما به شکل سنتهای نهادینه شده و عقب مانده در فرهنگ بخشی از کومله درانتظار بسر میبرد. اینها آن زمان تعلق خاطری با مارکس و لنین داشتند، فکر میکردند تئوریهای آنها و منصور حکمت تنها راه نجات "کومله و ملت کرد است". از حزب دمکرات کردستان دل خوشی نداشتند زیرا قبلتر ناسیونالیسم کرد به دو گرایش چپ و راست در عراق تبدیل شده بود. جلال طالبانی و کومله رنجدران جناح چپ ناسیونالیسم کرد را نمایندگی میکردند و کومله قدیم خود را متحد و نزدیک به این جناح میدانست. حزب دمکرات کردستان ایران هم خود را نزدیک به بازانیها معرفی میکرد. در شرایط کنونی هم میبینیم که مناسبات آنزمان و ادامه حیات آن سنتها هنوز در صفوف همه "کومله ها" مایه روابط و حسن همجواری آنها با همجنس خود است.

جریانی که در ابتدای دهه ۶۰ شمسی نقش اصلی را در تغییر مشی کومله یویولیست به کومله مارکسیست ایفا کرده بود در اوایل دهه ۷۰ شمسی تجزیه شد. بخشی از آنها بدون ابهام و صریح با ناسیونالیستهای ساکت و حاشیه

نشین کومله متحد شدند و علیه کومنیسم و در دفاع از "تاریخ کومله قدیم و منافع ملت کرد" به میدان آمدند. عبدالله مهتدی از جمله کسانی بود که در این مقطع تصمیمش را گرفت و رهبر ناسیونالیستهای درون کومله شد. این اتفاقات با تلاشهای منصور حکمت برای شکل دادن به یک جریان کومنیستی و کارگری برای مقابله با تعرض راست در سطح جهانی همزمان شد. کومنیسم کارگری از اواسط دهه ۶۰ شمسی در حزب کومنیست ایران هم تلاش میکرد به عنوان یک جریان انترناسیونالیست به مسایل جهانی و تحولات پیش رو بپردازد و به عنوان یک جریان مارکسیست سد و مانع ها، مصافها و گره گاههای دوران خود را بشناسد و بانقد مارکسیستی راه حل خود را بیان کند. طبیعی بود که گوشه ای از این تلاش به تحول در خود حزب کومنیست ایران و کومله معطوف باشد.

اما این تلاشها در نقد سرمایه و به تبع چپ غیر کارگری و غیر کومنیستی آنزمان و تاریخ این چپ و... تا جایی که به مسایل خارج از حزب کومنیست ایران و کومله میپرداخت توافق ضمنی و یا بیفتاوتی گرایش غیر کومنیستی درون کومله را در قبال آنها شاهد بودیم. اما به محض تلاش برای تغییر کومله و حزب کومنیست ایران گرایش درون این جریان به "دفاع از کومله برخوانستند" و مقاومتشان در مقابل کومنیسم کارگری هر روز عیانتر و آشکار تر میشد.

بنابراین سازش ناسیونالیسم کرد درون کومله و یویولیسم نگران سرنوشت کومله با کومنیسم کارگری تا مقطع اوایل دهه ۷۰ شمسی ادامه داشت. از این مقطع و مشخصا بعد از حمله آمریکا و متحدانش به عراق که جریانات ناسیونالیستی کرد در کردستان عراق به قدرت رسیدند، گرایش سنتی درون کومله با مشاهده به قدرت رسیدن دوستان قدیمشان در کردستان عراق فیلشان یاد هندوستان کرد. از این مقطع ناسیونالیسم حاشیه ای درون کومله احساس کرد باید به میدان بیاید. این تحول محتملی شد که

ناسیونالیسم درون کومله سخنگویانی پیدا کند و در کومله ادای سهم کند. مهمترین تحول زندگی سیاسی کومله از این مقطع رقم میخورد.

تعرض به کومنیستهایی مثل منصور حکمت که تا این مقطع زمانی مورد احترام همه است و سیاستهای او بدون هیچ مقاومتی راهگشا و جوابگو معرفی میشد، برای یویولیسم ملیگرا مورد شک و تردید و برای ناسیونالیستهای سرخورده، مخرب تشخیص داده شد. ناسیونالیسم با فرهنگ ویژه خود و در دفاع از قدوسیت کومله و ملت کرد "تعرضش را به مارکسیسم آغاز کرد. مارکسیسم و سیاستها و تئوریهای منصور حکمت دیگر نه تنها راهگشا نبودند بلکه ضد "کومله" و علیه منافع "خلق کرد" معرفی شدند.

اوایل دهه ۹۰ میلادی و اوایل دهه ۷۰ شمسی حزب کومنیست ایران و کومله دچار تحولی عمیق و سرنوشت ساز شد. زیرا حزبی که قرار بود با اتکا به تئوریه و راه حل های مارکسیستی و با تاکتیکهای انقلابی به جنگ نظام حاکم برود، به یک باره میدان تاخت و تاز جریانات ناسیونالیستی شد. اگر چه همچنان گرایش چپ تشکیلات را در دست داشت و ناسیونالیستها اقلیتی ضعیف بودند، اما مانع تراشی و ایجاد فضای ضد کومنیستی از جانب ناسیونالیستها باعث شده بود که اجرای سیاستهای حزب عملا با مانع جدی روبرو شود. با توجه به حاکمیت جلال طالبانی و مسعودبازانی در کردستان عراق در نتیجه سیاستهای نظم نوین جهانی، و سر بلند کردن گرایش ناسیونالیسم کرد در کومله، عملا ادامه کاری حزب کومنیست و اجرای سیاستهای رادیکال در کومله امکان پذیر نبود. اگر منصور حکمت و گرایش کومنیسم کارگری میخواستند همچنان در آن حزب بمانند به دلیل حاکمیت ناسیونالیستها در کردستان عراق و وجود گرایشات مختلف در کومله مجبور به امتیازاتی به ناسیونالیسم کرد میشد. که ضرر آن بسیار بیشتر از نفع آن بود. با مشاهده این اتفاقات منصور حکمت از حزب کومنیست ایران

استعفا داد و اعلام کرد که میخواهد حزب دیگری را سازمان بدهد. به دنبال این اتفاق اکثریت رهبری و کادرها و بدنه حزب و کومله استعفا دادند و همراه منصور حکمت حزب کومنیست کارگری ایران را ساختند.

حزب کومنیست کارگری ایران از همان روز اول اکثریت کادرها، اعضا و رهبری حزب کومنیست ایران و کومله را با خود داشت. اما تمام امکانات حزب قبلی را برای بجا ماندگان در آن حزب گذاشتند. زیرا به توصیه منصور حکمت هر کسی که مایل به پیوستن به حزب کومنیست کارگری بود میبایست فردی استعفا بدهد و به حزب تازه بپیوندد. با این وجود در مدت نه چندان طولانی این حزب تازه تاسیس به قویترین و مطرح ترین حزب چپ خاورمیانه تبدیل شد.

اما کسانی که در کومله و حزب کومنیست ایران باقی مانده بودند به دنبال این اتفاق تلاش کردند با سیاست و فرهنگ و ادبیات دیگری سازمان خود را بنانهند. ناگفته نماند که این اتفاق به دلیل تعرض گرایش ناسیونالیستی به کومنیسم و همراهی گرایش چپ تشکیلات دار و بی افق درون کومله آنزمان که معروف به گرایش سانتر بود اتفاق افتاد. اما دیری نپایید که بخشی از جریان ناسیونالیستی درون کومله از آن جریان جدا شدند و سازمان زحمتکشان را بنا نهادند. سازمان زحمتکشان اکنون به سه تیکه تقسیم شده و تعدادی از افراد آنها هم از همه این جریانات فاصله گرفته اند. سازمان زحمتکشان همچنانکه پیش بینی میشد با یک اقتضاح سیاسی روبرو شد و جناحهای مختلف آن علیه همدیگر اسلحه و چاقو کشیدند و به عنوان جریانی لمپن و چاقو کش برای همه معرفی است.

واقعیت این است که سازمان زحمتکشان نه به سنت و سیاستهای گذشته کومله تعلق داشت و نه به سنت و سیاستهای دوره فعلی آن. آنچه ماهیت سازمان زحمتکشان را تشکیل میدهد یک جریان قومی، بی پرنیسیب و لمپن و چاقو کش است. همه جناحهای این جریان، دارو دسته های مسلح گردنه بگیر و لمپنی هستند که هیچ جریان جدی اپوزیسیون نباید آنها را به عنوان یک سازمان سیاسی برسمیت بشناسد.

هیچ کدام از شعبات سازمان زحمتکشان در هیچ سنت و سیاست معتبری جای نمیگیرند. جامعه هم آنها را به عنوان جمعهای مسلح بی پرنیسیب و گردنه بگیر نگاه میکند.

اما آنچه به اسم کومله مانده و فعالیت میکند و سازمان کردستان حزب کومنیست ایران شناخته میشود، تلاش کرده است هنوز خود را مدافع سوسیالیست، انقلاب و کارگر و... معرفی کند. اما خود این سازمان هم به دو جناح چپ و راست تقسیم شده است. راست ناسیونالیست که اپوزیسیون درونی کومله است، قرار است در کنگره ۳ پیش روی این سازمان تصمیم قطعی خود را بگیرد. به احتمال زیاد اگر اتفاق غیر مترقبه ای نیفتد در جریان کنگره ۳ کومله این جریان یا به جناحهای سازمان زحمتکشان میپیوندد و یا کومله دیگری درست میکند.

همچنانکه میبینیم کومله بعد از جدایی گرایش کومنیسم کارگری، انگار به کارخانه تولید جریانات افراطی قومپرست تبدیل شده است. هر از چندگاهی تعدادی از رهبران کومله با اعلام پشیمانی از گذشته چپ خود و اعلام تعلق افراطی به ناسیونالیسم کرد به جریانات ضد کومنیست و عقب مانده و قومپرست تبدیل میشوند. این اتفاقات باید برای جناح چپ کومله هشدار دهنده باشد و از خود سوال کنند چرا این جریانات با سرعت برق از کومنیسم فاصله میگیرند و به جریاناتی قومپرست تبدیل میشوند.

حقیقت این است که ما تحلیلا این تغییر و تحولات را پیش بینی کرده بودیم. متأسفانه رهبران کومله نه در گذشته و نه اکنون هم انگار نمیخواهند به این واقعیت تن بدهند که بعد از جدایی کومنیسم کارگری از آنها، کومله به جای تربیت و ارتقا کادرهای کومنیست محل تولید ناسیونالیستهای افراطی و دو آتشه شده است. من میدانم که تعداد قابل توجهی از انسانهای شریف و چپ که خود را کومنیست میدانند و به آرمانهای انقلاب کارگری وفادار هستند هنوز در رهبری این سازمان و یا در صف آن فعالیت میکنند. اما این فاکتور مانع از آن نشده است

سخنگویان آنها هرگاه بخواهند با صراحت بیشتری پا به میدان بگذارند و همان تصمیم های "هشیارانه و عاقلانه" را محور فعالیت خود قرار دهند، چیزی از نوع ساعد وطن دوست، مینه حسامی و عبدالله مهدی و ایلخانیزاده ... خواهند بود. آیا کادرهای چپ کومله می‌خواهند سازمانشان را از چنبره سنتهای ناسیونالیستی رها کنند و بند ناف خود را با آن سنتها قطع کنند یا نه، متأسفانه در این راستا هنوز نشانه امیدوار کننده‌ای دیده نمی‌شود.

ادامه دارد

آن است. این محدودیت سیاسی و تاریخی تفکر حاکم بر کومله مانع از آن شده است که کومله خود را از قید و بند سنتهای ناسیونالیسم کرد آزاد کند. البته این موضوع برای رهبری کومله امری آگاهانه و از نظر خودشان تصمیمی "هشیارانه و عاقلانه" محسوب می‌شود.

بنابر این تا هنگامیکه کومله با این تفکر و سیاست زندگی کند چاره‌ای ندارد که همیشه در همزیستی با گرایش ناسیونالیسم کرد سر کند و هر از چندگاهی شاهد سر بر آوردن این گرایش از درون خود باشد. زیرا گرایش ناسیونالیسم کرد بخش انتگره کومله تا کنون بوده است.

خود را با سنتهای باز تولید شوند ناسیونالیستی درون و بیرون خود قطع کنند. این خصوصیت خود ویژه کومله از یک طرف ناشی از سنت و تاریخی است که از درون آن سربرآورده است و از طرف دیگر مؤلفه "ملت کرد" و "حقوق ملی" جایگاهی اساسی و بنیادی در تفکر آنها دارد. حتی هنگامیکه می‌خواهند با ادبیات "مارکسیستی" حرف بزنند اساساً مدافع منافع "زحمتکشان کرد" هستند. مؤلفه‌هایی همچون کمونیسم و کارگر و انقلاب کارگری و سیاستهای کمونیستی و ... در نزد کومله هم وزن "زحمتکشان کرد" و در خدمت

یک حزب کمونیست و مارکسیست هستیم نه یک حزب ملی گرا، اما با این حال رهبری کومله رهبران گرایش ناسیونالیستی درون خود را به عنوان دوستان و رفقای خود مینگرد. فراتر از این کومله با جریانات ناسیونالیست خارج از خود مناسبات دوستانه و حسنه‌ای دارد. با این اوصاف کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران از جمله سازمانهای کردستان است که در جناح چپ جامعه قرار دارد. اما در جناح چپ جامعه قرار گرفتن بسیار متفاوت است با مارکسیست بودن. مشکل کومله و رهبران فعلی آن این است که نتوانسته‌اند بند ناف

که در سیستم فکری حاکم بر کومله جایگاه "حق ملی" "حقوق ملت کرد" جنبش کردستان" و غیره بسیار بیشتر از سوسیالیسم، سیاستهای کارگری، مارکسیسم و کمونیسم و ... "عینی و معتبر" باشند. اما با این وجود از جانب ناسیونالیستهای افراطی درون این سازمان رهبری فعلی کومله مورد انتقاد است که چرا به مسئله کرد کم اهمیت میدهد. و البته کومله هم با غلظت بیشتر بخشیدن به این موضوع سعی کرده است اثباتا به آنها جواب بدهد که مسئله کرد در محور تفکر و سیاست آنها قرار دارد. در جواب آنها نمی‌گویند: ما

ایجاد رعب و وحشت در کوره پزخانه‌های ارومیه و استفاده از زور برای وادار کردن کارگران به کار، در حال حاضر اعتصاب ۲۰ روزه کارگران کوره پزخانه‌های ارومیه در هم شکسته است.

تا کنون هیچ گونه اطلاعی از اسامی و سرنوشت کارگران بازداشت شده در دست نیست و فضای عمومی در این کوره پزخانه‌ها ملتهد است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۱۳۸۷/۳/۲۵

دستمزدهای آنان اضافه نخواهد شد. در این جلسه نمایندگان کارگران کوره پزخانه‌ها همچنان بر افزایش دستمزدها تاکید داشتند و در بیرون از اداره کار نیز حدود سی نفر از کارگران تجمع کرده بودند. در این میان خانه کارگر ارومیه در همدستی با کارفرمایان کوره پزخانه‌ها، کارگران را دعوت به شکستن اعتصاب و رفتن بر سرکارهایشان نمود.

بنا بر آخرین اخبار دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران با دستگیری ۲۴ نفر از کارگران

با زور وادار به کار کردند. از سوی دیگر و همزمان با بازداشت ۲۴ نفر از کارگران، در اداره کار ارومیه نیز جلسه‌ای با هدف تحمیل کارگران و خاتمه دادن به اعتصاب برگزار شد در این جلسه که با حضور شرفی مسئول روابط عمومی شورای شهر ارومیه، قربانزاده مسئول روابط کار، صادقی رئیس خانه کارگر و با شرکت ۶ نفر از کارگران کوره پزخانه‌ها و عسگردشت به نمایندگی از سوی کارفرمایان برگزار گردید، به کارگران اعلام شد که یک ریال به

نظامی کردن فضای کوره پزخانه‌های ارومیه و دستگیری ۲۴ نفر از کارگران

مستقر کردند تا کارگران کوره‌های مختلف نتوانند با همدیگر در ارتباط و تماس باشند.

در ادامه این اقدامات سرکوبگرانه برای در هم شکستن اعتصاب کارگران کوره پزخانه‌های ارومیه، امروز نیروهای یگان ویژه و باتوم بدست وارد کوره پزخانه‌ها شده و ۲۴ نفر از کارگران را بازداشت کردند و کارگران برخی کوره پزخانه‌ها را

از دیروز مورخه ۸۷/۳/۲۴ نیروهای انتظامی و ماموران لباس شخصی نسبت به روزهای قبل بر حضور خود در کوره پزخانه‌های ارومیه افزودند و بطور مرتب به گشت زنی در این کوره‌ها پرداختند.

این نیروها دیشب با هدف شکستن اعتصاب در برخی کوره‌ها نگهبانان مسلحی را در محیطهای کار و زیست کارگران

پایان اعتصاب کارگران کوره‌های آجر پزی شبستر

بنا بر خبرهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران نیروهای انتظامی ارومیه در حمایت از کارفرمایان کارخانه‌های آجر پزی این شهری یک هفته گذشته بر شدت فشار خود بر این کارگران افزوده و در محیط کار این کارگران بطور مرتب در حال گشت زنی هستند. این نیروها روز گذشته در صدد دستگیری تعدادی از کارگران برآمدند که با عکس العمل بموقع خانواده‌های آنان مواجه شدند. این خانواده‌ها با مشاهده تلاش نیروهای انتظامی برای دستگیری چند نفر از کارگران بلافاصله با داد و فریاد و با استفاده از چوب و خشت

احضار کارگران کارخانه‌های آجر پزی ارومیه به اداره اطلاعات و تشدید فشار نیروهای انتظامی و کارفرمایان بر آنان

اعتصاب حدود چهار هزار نفر از کارگران نود کوره و کارخانه آجر پزی ارومیه وارد نوزدهمین روز خود شد. این اعتصاب که حول خواست افزایش دستمزدها شروع شده است در حالی ادامه دارد که نیروی انتظامی با تهیه لیست ۲۶ نفره از رهبران این کارگران در صدد دستگیری آنان است و اداره اطلاعات ارومیه در مورخه ۸۷/۳/۲۲ چهار نفر از آنان را احضار و مورد بازجویی قرار داد.



و به همین دلیل دستمزد آنان از دستمزد کارگران کوره‌های آجر پزی ارومیه به ازای هر هزار خشت همیشه حدود دو هزار تومان کمتر بوده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۱۳۸۷/۲۴/۳

رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتصاب کارگران کوره‌های آجر پزی شبستر با افزایش دستمزد این کارگران از ۸ هزار تومان به ۱۰ هزار تومان به ازای هر هزار خشت، پیروز پایان پذیرفت. لازم به یادآوری است که خشت‌های کوره‌های آجر پزی شبستر دارای وزن سبک‌تری هستند

آنان را وادار به عقب نشینی کردند. اداره کار، اداره اطلاعات و بویژه نیروهای انتظامی ارومیه در هماهنگی با کارفرمایان موفق شده‌اند در برخی نقاط با ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران، بخشی از آنان را از ادامه اعتصاب منصرف کنند اما این اعتصاب تا کنون نشکسته است و مقاومت کارگران برای دستیابی به خواسته‌هایشان ادامه دارد.

تعرض به کارگران کارخانه‌ها و کوره‌های آجر پزی ارومیه در حالی تشدید شده است که کارگران کوره پزخانه‌های قرچک پس از اعتصابی یک ماهه موفق شدند دستمزد خود را از ۹۵۰۰ تومان دستمزد به ازای هر هزار خشت به ۱۴ هزار تومان برسانند. از سوی دیگر بنا بر گزارشهای

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

ادامه در تجمع امروز ۸۰۰۰ نفر ۰۰۰

کارگران تصمیم به راهپیمایی و کشاندن اعتراض خود به شهر گرفتند. همزمان حدود صدنفر از همسران و اعضای خانواده های کارگران در مقابل کارخانه حضور داشتند و همراه با کارگران شروع به راهپیمایی بطرف سه راهی هفت تپه کردند.

کارگران شعار میدادند: معیشت زندگی حق مسلم ماست [کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم] کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد، مرگ بر ساعدی (نماینده مجلس اسلامی در شوش)، مرگ بر زبیدی (رئیس حراست کارخانه)، مرگ بر قاسمی (مدیر عامل بخش کشاورزی). در محل بازار هفت تپه کارگران تصمیم گرفتند مانند روز

گذشته به سه راهی جاده اهواز اندیشک بروند و جاده را ببندند. کارگران با اتوبوس و ماشین های شخصی بطرف این سه راهی حرکت کردند. تعدادی از مردم هفت تپه نیز کارگران را با ماشین های خود همراهی کردند. بدین ترتیب جمعیتی حدود ۸۰۰۰ نفر در سه راهی اهواز اندیشک گرد آمدند و جاده بین المللی را بستند. ترافیک سنگینی بوجود آمد. حدود ۶۰۰ نفر نیروی انتظامی به محل آمده بودند که کارگران را عقب برانند. کارگران نیز تصمیم به مقابله گرفته بودند. نیروهای انتظامی کارگران را محاصره کرده بودند اما تعدادی از کارگران و مردم دور آنها را گرفتند. نیروهای انتظامی که شاهد این

روحیه در میان کارگران و مردم خشمگین هفت تپه بودند، موفق به کاری نشدند. این تجمع از ساعت ۹ تا ۱۱ و نیم صبح طول کشید. کارگران تاکید کردند فردا دوباره در محل کارخانه جمع خواهند شد و تا رسیدن به خواسته هایشان به اعتصاب و تجمعات خود ادامه خواهند داد. کارگران هفت تپه ۵ ماه است حقوق نگرفته اند.

امروز همچنین ۲۰۰۰ کارگر کاغذسازی پارس که همجوار هفت تپه است، اعتصاب خود را در اعتراض به نپرداختن دو ماه حقوق شروع کردند.

حزب کمونیست کارگری به کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده های آنها و همینطور مردم مبارز هفت تپه و شوش درود میفرستد و آنها را به اتحاد هرچه بیشتر

فرامیخواند. حزب کارگران کاغذسازی و خانواده هایشان را به پیوستن به تجمعات کارگران نیشکر فرامیخواند. اتحاد کارگران و خانواده های آنها و جوانان و مردم آزادیخواه ضامن پیروزی آنها در مقابل کارفرمایان و حکومت آنها، در مقابل مستی دزد و چپاولگر و فاسد و سرکوبگر است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ ژوئن ۲۰۰۸،

۲۹ خرداد ۱۳۸۷

ادامه جوانمیر مرادی و ۰۰۰

حزب کمونیست کارگری شکنجه و تهدید و وثیقه برای جوانمیر مرادی و طاهای آزادی را شدیداً محکوم میکند و آزادی آنها را به اتحادیه آزاد کارگران ایران، به کارگران و مردم شریف و آزادیخواه و به ویژه به خانواده عزیز آنها و فوزیه خالصی همسر جوانمیر صمیمانه تبریک میگوید. فعالین کارگری و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و وثیقه های سنگینی که علیه فعالین کارگری در شهرهای مختلف، علیه دانشجویان و معلمان و فعالین حقوق زن تعیین شده است باید تماماً ملغی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ خرداد ۱۳۸۷

۱۶ ژوئن ۲۰۰۸

ادامه مصاحبه رادیو شکوفه ها با ۰۰۰

موضع ضعیفی قرار میگیره. وقتی که از همه جا صدای اعتراض بلند بشه و اعتراض کنند به بی حقوقی و تجاوز به حقوق انسانی کارگران طبیعی است که این اثر گذار است مانند یک میدان جنگ است در واقع که هرچه صفوف خود را وسیعتر کنید و با قدرت بیشتری عمل کنید طرف را وادار به عقب نشینی میکنید

رادیو شکوفه ها: آقای جمیل محمدی آیا خطاب به جریانات و تشکیلاتی که در این امر اتحادیه آزاد کارگران را یاری رساندند و سعی کردند که صداهون را به خارج کشور و اتحادیه های کارگری برسانند، صحبتی دارید؟

جمیل محمدی: جا دارد از همین جا دست همه این افراد، سازمانها و تشکیلات کارگری را بشماریم از طرف خودم و اعضای اتحادیه از شان تشکر میکنم و قدر زحمات و همیاری و همکاری آنها را ما میدونیم و کمال تشکر را از شان داریم و میدانیم که در آزادی این عزیزان این تلاشها مثرمتر بوده و نتیجه داده است

رادیو شکوفه ها: من از شما مسکرم و امیدوارم که باز هم موفقیتهای بیشتری را شاهد باشیم از قول ما به همه دوستانم خسته نباشید بگید دستتشان درد نکند و موفق و پیروز باشید

تشکل ندارم صدایش را در یک روز بلند کرده حقش را خواسته سهمش را از این زندگی خواسته. ما باید این طوری به قضایا نگاه نکنیم که وقتی کارگری را میگیرند ما باید همه هشیار باشیم که به حق من و به حق همه تجاوز میشه. این کارگر نیست که باید زندانی بشه و یا فعال کارگری که میره زندان ما باید حق بجانب، خیلی فعال و اکتیو با اتحادمان با تمام راه هائی که میتونیم و تمام امکاناتی که میتوانیم ازش استفاده کنیم فشار بیاریم که هر چه زودتر کارگرا را از این آزار و اذیت و به بندکشیدنها خلاص کنیم

رادیو شکوفه ها: بیکی از خواسته های که طبقه کارگر در ایران همیشه خواستار آن بوده است آزادی تشکل هست. الان در رابطه با آزادی این دوستانمان میبینیم که اتحادیه آزاد کارگران نقش بسیار مهم و ارزنده ای را ایفا کرد. از نظر شما تشکل در تلاش و مبارزه کارگران چقدر اهمیت دارد؟

جمیل محمدی: این اصلی هست که فکر نمیکنم هیچ کسی منکر آن شود. آدم وقتی تنها باشد و وقتی حامی نداشته باشد وقتی که صدای یک نفر را خفه میکنند صدا از جای دیگری بلند بشه اعتراض بشه نسبت به بی حقوقی و تجاوز به حقوق یک نفر و یا افراد خاصی وقتی این صدا بلند نشه خب اون در

دو نفر از رهبران کارگری از زندان آزاد شدند

بازداشتهای قبلی در جهت ساکت کردن کارگران و مردم معترض ایران بوده است.

اکنون کارگران و مردم ایران بیش از همیشه با ترندهای رژیم اسلامی آشنا هستند و میدانند به محض اینکه فعالین عرصه های مختلف تلاش برای بهبود زندگی خود و مردم را آغاز میکنند با سیاست سرکوب و پرونده سازی وزارت اطلاعات و امنیت رژیم اسلامی مواجه میشوند. اما در مقابل این سرکوبیها کارگران و مردم ایران یاد گرفته اند که باید کارگران و مردم آزادیخواه دنیا را مورد خطاب قرار داد و از آنها کمک خواست. اتحادیه آزاد کارگران ایران هم همین کار را کرد. این اتحادیه و دیگر احزاب و تشکیلات کارگری خطاب به اتحادیه های کارگری جهان و مردم مترقی دنیا خواستند که این اقدام رژیم اسلامی را محکوم و خواهان آزادی این کارگران شوند. فشارهای بین المللی و تلاش فعالین و تشکیلات کارگری در ایران نهایتاً رژیم اسلامی را ناچار به آزادی این دو رهبر کارگری کرد.

اما وثیقه ۱۰ میلیون تومانی برای این کارگران به معنای ادامه فشار بر آنها و دیگر فعالین کارگری است. این اقدام ضدکارگری رژیم اسلامی را باید محکوم کرد. برگزاری مراسم روز جهانی کارگر حق همه کارگران و مردم است. کسانی که این فعالین کارگری را دستگیر، محاکمه، شکنجه و ناچار به پرداخت وثیقه کرده اند به عنوان مجرمین و جنایانی که حقوق فردی و جمعی این رهبران کارگری را نقض کرده اند باید به محاکمه کشیده شوند. آزادی این رهبران کارگری یک پیروزی مهم برای طبقه کارگر و جنبش انقلابی مردم ایران است و به این مناسبت به آنها، به خانواده های آنها و به اتحادیه آزاد کارگران ایران و همه کارگران و مردم آزادیخواه صمیمانه تبریک میگویم. برای آزادی همه زندانیان سیاسی باید تلاشمان را ادامه بدهیم. اما این پیروزی را باید جشن گرفت باید تلاش کرد دوره سخت و شکنجه های زندان را با این پیروزی پشت سر گذاشت.

زنده باد همبستگی کارگران و مردم آزادیخواه، زنده باد جوانمیر مرادی و طه آزادی

محمد آسنگران

۲۸ خرداد ۱۳۸۷

۱۷ یونی ۲۰۰۸

آزادی جوانمیر مرادی و طه آزادی یک پیروزی برای طبقه کارگر و جنبش انقلابی در ایران است

طبق خبری که در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران درج شده است روز ۲۷- خرداد- ۱۳۸۷ جوانمیر مرادی و طه آزادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از ۴۷ روز بازداشت با قرار وثیقه ۱۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند.

جوانمیر مرادی و طه آزادی به جرم تلاش برای برگزاری مراسم اول مه درروز جهانی کارگر ۱۲ اردیبهشت در عسلویه توسط نیروهای انتظامی بازداشت شدند. آنها در این مدت در اداره اطلاعات و زندان مرکزی بوشهر زندانی شدند. این فعالین کارگری در طول دوره بازداشت خود زیر شدید ترین فشارهای جسمی و روحی قرار گرفتند. استخوانهای قفسه سینه جوانمیر مرادی و یکی از دندانهای طه آزادی در نتیجه ضربات و شکنجه در زندان دچار آسیبهای جدی شده اند. اتهامات وارده به این رهبران کارگری مثل